

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۵، شماره ۲ (بایز و زمستان ۱۳۹۹) شماره صفحات: ۲۶۹ - ۲۹۳

هم‌نامی و نقش‌های مختلف تکواژ وابسته "æ-" در کردی ملکشاهی

آمنه کریمی^۱، حبیب گوهری^{۲*}، غلامحسین کریمی دوستان^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران

۳. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

هم‌نامی پدیده‌ای است که در آن مقولات مختلف زبانی با نقش‌ها و معانی نامرتب از صورت‌های آوایی و نوشتاری یکسان برخوردار هستند. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش‌های مختلف تکواژ "æ-" در کردی ملکشاهی است. پیکره زبانی این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته از سخنگویان کردی ملکشاهی به عنوان یکی از شهرستان‌های مرکزی استان ایلام گردآوری شد. برای بررسی نقش فرآیند دستوری‌شدگی در ایجاد هم‌نامی تکواژ "æ-" از اصول ارائه‌شده توسط هاپر (۱۹۹۶) و همچنین سازوکارهای معرفی شده هاینه و همکاران (۱۹۹۱) بهره گرفته می‌شود. یافته‌های مطالعه نشان داد که چند مقوله مستقل زبانی در کردی ملکشاهی به صورت تکواژ وابسته "æ-" بازنمایی می‌شوند. صورت مذکور ممکن است به عنوان پی‌بست، وند تصریفی و یا اشتقاقی در بافت‌های مختلف واقع شود. این تکواژ به عنوان وندی تصریفی با نقش «نشانه معرفه» به اسم یا گروه اسمی متصل می‌شود. تکواژ وابسته "æ-" به صورت پی‌بستی و با نقش فعل ربطی و معین «است» نیز در کردی ملکشاهی به کار برده می‌شود. تکواژ "æ-" همچنین صورت الحاقی دو حرف اضافه مستقل «در» و «به» در گونه مذکور است که به برخی افعال به عنوان میزبان متصل می‌شود. علاوه بر این کارکردها، این تکواژ صورت دو پسوند اشتقاقی کردی ملکشاهی است که در تولید ساخت نام‌آوا و اسم به کار برده می‌شود. هر یک از نمودهای "æ-" در طول سازوکار دستوری‌شدگی تحت تأثیر تغییرات آوایی، ساختوازی، نحوی و معنایی قرار گرفته‌اند و باعث ایجاد این هم‌نامی شده‌اند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۶ اسفندماه ۹۸

پذیرش: ۲۷ مردادماه ۹۹

واژه‌های کلیدی:

تکواژ "æ-"

دستوری‌شدگی

کردی جنوبی

گونه ملکشاهی

هم‌نامی

۱. مقدمه

با مفروض داشتن وجود رابطه یک به یک بین الفاظ و معانی و همچنین با در نظر گرفتن واژه‌ها به عنوان ابزارهایی برای تعامل بشر (وگنر^۱، ۱۸۸۵)، اهمیت بررسی هم‌نامی "ae-" دوچندان می‌نماید. نقش معنایی واژگان به نحوی است که در سال‌های آغازین قرن نوزدهم در قالب شاخه‌ای از مطالعه معنا و به منزله رشته‌ای مجزا در نظر گرفته شده است (گیررتس^۲، ۲۰۱۰). ممکن است واژه‌ها در گذر زمان منجر به دگرگونی‌های آوایی، ساختوازی، نحوی و یا معنایی شوند. این دگرگونی‌ها همچنین منجر به تغییر مقولات زبانی می‌شوند و گاهی ابهامات آوایی، صوری و معنایی به وجود می‌آورند. به همین دلیل در زبان‌های مختلف، واژه‌ها لزوماً از روابط یک به یک لفظ و معنا پیروی نمی‌کنند و در برخی موارد از پیچیدگی‌هایی برخوردار هستند. این پدیده‌ها را می‌توان از نمونه‌های ابهام معنایی در نظر گرفت. از ابهامات معنایی نیز می‌توان به پدیده‌هایی چون هم‌معنایی^۳، چندمعنایی^۴ و هم‌نامی^۵ اشاره کرد. «هم‌نامی» پدیده‌ای است که به واسطه آن دو یا چند مقوله مستقل زبانی، از همسانی آوایی «هم‌آوایی^۶» و نوشتاری «هم‌نویسی^۷» برخوردار هستند. به واسطه این پدیده چند مضمون و نقش دستوری به یک صورت بیان می‌شوند و تنها راه تمایز کارکردهای متفاوت صورت‌های هم‌نام، از طریق بررسی بافت و در برخی موارد با توجه به جایگاه تکیه صورت می‌گیرد.

بدون تردید، فراوانی و تنوع هم‌نامی در زبان‌ها متغیری است که از فاکتورهای زبانی و غیرزبانی تأثیر پذیرفته است؛ از جمله این فاکتورها می‌توان به اصل اقتصاد و ساده‌سازی زبان اشاره کرد. هم‌نامی لزوماً مربوط به واژگان زبان نیست بلکه ممکن است برخی تکواژهای وابسته نیز تحت تأثیر این پدیده قرار گیرند (آلن^۸، ۱۹۸۶). هم‌نامی تکواژ وابسته "ae-" در کردی ملکشاهی از این موارد به شمار می‌رود. در این شرایط چند پدیده به صورت هم‌زمانی یا در زمانی

^۱ P. Wegener

^۲ D. Geeraerts

^۳ synonymity

^۴ polysemy

^۵ homonymy

^۶ homophone

^۷ homograph

^۸ K. Allan

و همچنین با پذیرش تغییراتی آوایی، ساختواژی، نحوی و معنایی از طریق یک تکواژ وابسته نشان داده می‌شوند. تکواژهای وابسته سازه‌های زبانی هستند که استقلال کاربردی ندارند و در ترکیب و اتصال به تکواژهای آزاد ارزش پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، این سازه‌ها فاقد استقلال دستوری، املائی، آوایی و معنایی هستند و جایگاه دستوری، آوایی و معنایی آن‌ها در زبان پس از پیوند با تکواژهای دیگر مشخص می‌شود. تکواژها را می‌توان به عنوان کوچک‌ترین واحدهای معنادار زبان معرفی کرد که از یک یا چند واج تشکیل شده‌اند.

در کردی ملکشاهی تکواژ وابسته "æ-" قابلیت وقوع در جایگاه‌های متنوع را دارد و همچنین می‌تواند نقش‌ها و معانی مختلفی را نیز بپذیرد. این تکواژ ممکن است به صورت واژه‌بست، وند تصریفی و یا وند اشتقاقی به کار برده شود. واژه‌بست و وند از شباهت‌های بسیاری برخوردار هستند و در برخی موارد تشخیص این دو از هم مشکل است. به طور کلی، واژه‌بست صورت زبانی است که هم به کلمات مستقل و هم به وندها شبیه است در حالی که در هیچ یک از این دو گروه قرار نمی‌گیرد (کروگر، ۲۰۰۵). بوی^۲ (۲۰۰۷) برای واژه‌بست هویت واجی مستقل قائل نیست و چنین اظهار می‌کند که این گروه برای رفع کاستی نوایی^۳ خود به سایر مقولات تکیه می‌کند. به طور کلی، واژه‌بست‌سازی پدیده‌ای است که ساختواژه، نحو و واج در آن درگیر هستند. واژه‌بست‌ها در مقایسه با وندها از آزادی بیش‌تری در انتخاب میزبان برخوردار هستند. آزادی حرکت بیش‌تر و قابل پیش‌بینی بودن ترکیب واژه‌بستی از دیگر ویژگی‌های واژه‌بست‌ها می‌باشند (زوییکی^۴ و پالم^۵، ۱۹۸۳). واژه‌بست تکواژی است که از توزیع نحوی برخوردار است و از قواعد و محدودیت‌های حاکم بر حوزه^۶ نحو تبعیت می‌کند (بوی، ۲۰۰۷، شقاقی، ۱۳۹۲، اندرسون^۶، ۱۹۹۲، کروگر، ۲۰۰۵).

واژه‌بست‌ها را نیز می‌توان بر اساس جایگاه وقوع و همچنین نقش معنایی آن‌ها در ساخت‌ها مورد بررسی قرار داد. از ساخت‌های رایج واژه‌بستی در کردی ملکشاهی می‌توان به ساخت الحاقی^۷

¹ P. R. Kroeger

² G. Booij

³ Prosodic deficiency

⁴ A. M. Zwicky

⁵ G. Pullum

⁶ S. R. Anderson

⁷ applicative

اشاره کرد. الحاق فرآیندی نحوی-ساختواژی است که به واسطه آن یک حرف اضافه با پیوستن به فعل، موضوع جدیدی را به ساختار موضوعی فعل اضافه می‌کند. موضوع الحاقی غالباً دارای یکی از نقش‌های بهره‌ور/ متضرر، ابزار، مکان و جهت است. مارانتز^۱ (۱۹۹۳) بیان می‌کند که وند الحاقی مشابه فعل رفتار می‌کند و به لحاظ معنایی می‌تواند رویدادی را در قالب یک گروه فعلی به عنوان متمم خود بپذیرد. وند الحاقی به عنوان هسته الحاق و موضوع الحاقی در جایگاه مشخص‌گر گروه الحاق ادغام می‌شود (پولکانن^۲، ۲۰۰۸). بیکر^۳ (۱۹۸۸) تکواژ الحاقی را به عنوان یک مقوله واژگانی در نظر می‌گیرد که در زیرساخت نحوی مشتق می‌شود و پس از حرکت از جایگاه اصلی خود به فعل منضم می‌شود. در واقع، تکواژ الحاقی فعلی حاصل حرکت حرف اضافه از جایگاه خود و انضمام آن بر فعل است.

در برخی موارد تشخیص صورت وندی از صورت واژه‌بستی تکواژ وابسته "æ-" دشوار است. وندها مانند واژه‌بست‌ها سازه‌هایی وابسته هستند اما در انگیزه اتصال و همچنین انتخاب نوع مقولات میزبان عملکردی متفاوت دارند. وندها حاصل تغییرات مقولات مستقلی چون اسم و فعل هستند که تحت تأثیر سیر کامل یا بخش‌هایی از سازوکار دستوری‌شدگی^۴ قرار می‌گیرند (هاپر^۵ و تروگات^۶؛ ۱۹۹۳). وندها را می‌توان به دو حوزه تصریف و اشتقاق نسبت داد. این گروه همچنین به مقولات خاصی متصل می‌شوند و عملکرد آن‌ها متأثر از اصول حاکم بر حوزه صرف می‌باشد (اندرسون، ۱۹۹۲) در حالی که وندهای تصریفی و اشتقاقی عملکردی متفاوت از یکدیگر دارند، وندهای اشتقاقی وندهایی هستند که با اتصال به میزبان خود مقوله آن را تغییر می‌دهند و در ساختن واژه جدید دخالت دارند در حالی که وندهای تصریفی در مقوله و طبقه میزبان تغییری ایجاد نمی‌کنند و صرفاً شرایط وقوع آن را در بافت‌های مختلف مهیا می‌کنند. در کل، وند تصریفی برای ساختن صورت‌های دستوری مختلف به کار برده می‌شود.

¹ A. Marantz

² L. Pylkkänen

³ M. Baker

⁴ grammaticalization

⁵ P. J. Hopper

⁶ E. C. Traugott

کردی در کنار زبان‌های فارسی، پشتو، بلوچی و... از زبان‌های ایرانی نو قرار می‌گیرد و خود بر اساس تشابهات و تمایزات زبان‌شناختی به زیربخش‌هایی تقسیم می‌شود (نیز^۱، ۱۹۷۶، مک کنزی^۲، ۱۹۶۱، ایزدی^۳، ۱۹۹۲، فتاح^۴، ۲۰۰۰). از رایج‌ترین تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به کردی شمالی، میانی و جنوبی اشاره کرد. کردی ملکشاهی یکی از زیربخش‌های کردی جنوبی است. شهرستان ملکشاهی تقریباً در مرکز جغرافیایی استان ایلام واقع در غرب کشور قرار دارد. این شهرستان از شمال با شهرستان ایلام، از جنوب با شهرستان‌های دهلران و آبدانان، از شرق با شهرستان سیروان و از غرب با شهرستان مهران هم‌مرز است. علی‌رغم وجود تنوعات لهجه‌ای موجود در ملکشاهی به جز چند مجموعه شعری، کردی ملکشاهی فاقد هر گونه منبع کردی علمی در حوزه‌های گوناگون زبانی است. این در حالی است که تنوعات موجود در لایه‌های آوایی، ساختوازی، نحوی و معنایی این حوزه جغرافیایی نسبتاً کوچک را می‌توان به عنوان بستری برای بررسی و پژوهش‌های ارزشمند معرفی کرد. گوناگونی‌های آوایی و صوری موجود در کردی ملکشاهی را می‌توان به عنوان متغیری متأثر از موقعیت مکانی و قومی-قبیله‌ای سخنگویان نیز در نظر گرفت. در این پژوهش کارکردهای مختلف یک تکواژ وابسته در کردی ملکشاهی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. تکواژ "æ-" علی‌رغم گوناگونی‌های زبان‌شناختی موجود در بخش‌های جغرافیایی این حوزه زبانی به عنوان یکی از اشتراکات کردی ملکشاهی مورد استفاده سخنگویان قرار می‌گیرد. این تکواژ در نقش نشانه معرفه با اتصال به اسامی و ضمائر، معرفه‌بودن آن‌ها را تعیین می‌کند. فعل «است» با پیوند این تکواژ به اسامی و صفات بیان می‌شود در حالی که پس از شناسه‌های اصلی زمان گذشته، در ساخت حال کامل به عنوان فعل معین نیز به کار برده می‌شود. تکواژ "æ" همچنین صورت واژه‌بستی دو حرف اضافه مستقل «در» و «به» در این گونه با پیوستن به افعال، مورد استفاده سخنگویان قرار می‌گیرد. علاوه بر این، این تکواژ به عنوان پسوند در کنار اصوات موجود در طبیعت و برخی صفات و اسامی قرار می‌گیرد و می‌تواند در تولید نام‌آوا و اسامی ایفای نقش کند.

¹ J. E. Nebez

² D. N. MacKenzie

³ M. Izadi

⁴ I. K. Fattah

این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است. پیکره زبانی این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته حول محورهای اصلی پژوهش از گفتار سخنگویان کردی ملکشاهی و توسط نگارندگان گردآوری شده است. برای دستیابی به داده‌های واقعی تلاش شد که از گفتار سخنگویان مرد و زن بهره گرفته شود؛ اگرچه تعداد مشارکت‌کنندگان مرد بیش از تعداد زنان بود. داده‌های مطالعه همچنین از گفتار سخنگویانی استخراج شد که تقریباً در اغلب موقعیت‌های زبانی به زبان کردی صحبت می‌کنند. آوانگاری داده‌ها به روش IPA صورت گرفته است. هدف مطالعه مورد نظر، بررسی هم‌نامی تکواژ "æ-" و دلایل ایجاد آن در کردی ملکشاهی است.

۲. پیشینه پژوهش

homonym کلمه‌ای یونانی و مرکب از دو تکواژ *homo-* به معنای یکسان و *-onymos* به معنای نام است؛ این واژه به همسانی صوری دو یا چند مفهوم مجزا مربوط می‌شود (سلیم^۱)، ۲۰۱۳). هم‌نام به کلماتی اطلاق می‌شود که به طور هم‌زمان هم‌آوا و هم‌نویسه و به عبارت دیگر جناس تام هستند؛ در حالی که، هر یک معنای متفاوتی از دیگری دارد (یول^۲، ۲۰۰۶، لیونز^۳، ۱۹۸۲ ریچاردز^۴ و اسمیت^۵، ۲۰۰۲). سازه‌های هم‌نام در همسانی صوری و در برخی موارد همسانی آوایی قرار دارند (هارتمن^۶ و استارک^۷ ۱۹۷۶، فرامکین^۸ و همکاران، ۲۰۰۳). صفوی (۱۳۸۷) هم‌نویسی را ناشی از نظام نوشتاری و هم‌آوایی را ناشی از وام‌گیری و تحول آوایی می‌داند و لدفوغد^۹ (۲۰۰۶) هم‌آوایی را در برخی موارد ناشی از ضعیف‌بودن صورت‌های واژگانی می‌داند که منجر به انعطاف و در نتیجه تغییرات آوایی آن‌ها می‌شود. این گروه کلمات با وجود هم‌سانی نوشتاری و آوایی، ابهام معنایی دارند (کریستال^{۱۰}، ۱۹۹۲). به باور پالمر^{۱۱} (۱۹۸۴) برخی از هم‌نام‌ها

¹ J. Salim

² G. Yule

³ J. Lyons

⁴ J. C. Richards

⁵ R. Schmidt

⁶ R. Hartmann

⁷ F. C. Stork

⁸ V. Fromkin

⁹ P. Ladefoged

¹⁰ D. Crystal

¹¹ F. R. Palmer

متضاد هستند و از این طریق نیز می‌توانند ابهام معنایی ایجاد کنند. چندمعنایی نیز از جمله ابهامات معنایی مشابه است. از تمایزات هم‌نام‌ها و چندمعناها می‌توان به هم‌ریشه‌بودن کلمات چندمعنا اشاره کرد؛ در صورتی که هم‌نامی را نمی‌توان برخاسته از هم‌ریشگی و تشابه ریشه‌های واژگان هم‌شکل دانست (پالمر، ۱۹۷۶، راد^۱، گسکل^۲، مارسلن-ویلسون^۳، ۲۰۰۲، کروز^۴، ۱۹۸۶، لیونز، ۱۹۷۷).

هم‌نام‌ها از نمودهای عصبی متفاوت و همچنین مدخل‌های مجزایی برخوردار هستند که هر یک از این مدخل‌ها ممکن است مفاهیم و مضامین چندمعنای بسیاری را پوشش دهند (پیلکانن^۵ و همکاران، ۲۰۰۶). تعداد معدودی از جفت‌های هم‌نام، از یک ریشه مشترک مشتق شده‌اند اما در بیش‌تر موارد، منشأ هم‌نام‌ها ریشه‌های کاملاً متفاوتی هستند. تشابهات و تمایزات موجود در تلفظ کلمات در گویش‌های مختلف می‌تواند منجر به هم‌نامی شود (آلن، ۱۹۸۶). از دلایل ایجاد هم‌نامی می‌توان به تغییرات ایجاد شده در واژه‌های واژه‌ها (آلن، ۱۹۸۶) و همچنین بسط معنایی اشاره کرد (پالمر، ۱۹۸۴). تفاوت‌های موجود در گویش‌های مختلف از دلایل هم‌آوایی واژه‌ها هستند که منجر به پدیده هم‌نامی می‌شوند (آلن، ۱۹۸۶). ضعیف‌بودن صورت‌های واژگانی و سازه‌های زبانی باعث ایجاد هم‌آواها می‌شود (لدفوگد، ۲۰۰۶). ادغام برخی واج‌ها در گفتار نیز می‌تواند از دلایل ایجاد هم‌نامی باشد (واتکینز^۶ و همکاران، ۲۰۰۱).

واژه‌های هم‌نام می‌توانند از مقولات نحوی یکسان و یا متفاوتی نیز برخوردار باشند (احمدوف^۷ و گرایوا^۸، ۲۰۱۵، بیرجندی، ۱۳۸۱، اسحاقی، ۱۳۹۶). از انواع هم‌نامی‌های موجود در زبان فارسی می‌توان به هم‌نامی واژگانی، ساختواژی-دستوری و واژگانی-دستوری اشاره کرد (احمدوف و گرایوا، ۲۰۱۵). نتایج حاصل از مطالعه اسحاقی (۱۳۹۶) بر واژه «خود» در گونه گفتاری کرمانی نشان داد

¹ J. M. Rodd

² M. G. Gaskell

³ W. D. Marslen-Wilson

⁴ D. A. Cruse

⁵ L. Pykkänen

⁶ F. C. Watkins

⁷ M. Akhmedova

⁸ A. Garayeva

که این واژه به عنوان یک هم‌نام با دو کاربرد ضمیر و حرف اضافه به کار برده می‌شود (اسحاقی، ۱۳۹۶).

صفوی (۱۳۸۷) واژه «دوش» را به عنوان یک هم‌نام با سه مفهوم کتف، وسیله حمام و دیشب در زبان فارسی معرفی کرد. واژه شانه نیز از دیگر هم‌نام‌های زبان فارسی است که با سه معنای وسیله آرایش مو، کتف و جای تخم‌مرغ توسط سخنگویان فارس‌زبان به کار می‌رود.

۳. چارچوب نظری

پدیده دستوری‌شدگی، به طور کلی، توسط زبان‌شناسان بسیاری از جمله میه^۱ (۱۹۵۸)، لمان^۲ (۱۹۸۲)، هاینه^۳ و همکاران (۱۹۹۱) و هاپر (۱۹۹۶) مورد بررسی قرار گرفته است. به باور میه (۱۹۵۸) به عنوان اولین کسی که این مفهوم را به کار برد، دستوری‌شدگی مربوط به فرآیندی است که به واسطه آن یک ویژگی دستوری به یک کلمه خودمختار (قاموسی) نسبت داده می‌شود (هاپر، ۱۹۹۶). دستوری‌شدگی پدیده‌ای است که به واسطه آن واحدهای واژگانی کارکرد دستوری می‌یابند و واحدهای دستوری‌شده نیز به تدریج نقش‌های دستوری پیدا می‌کنند (هاپر و تروگات، ۲۰۰۳). به طور کلی واژگان خاستگاه کلیه امکانات دستوری هستند و بر اساس باور بسیاری از زبان‌شناسان، تمامی امکانات دستوری در یک زبان از طریق فرآیند دستوری‌شدگی به وجود می‌آیند (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹).

هاینه و همکاران (۱۹۹۱) دستوری‌شدگی را به عنوان حرکت مقولات واژگانی به سمت مقولات دستوری تعریف می‌کنند که صرفاً مربوط به مقولات واژگانی نیستند بلکه گاهی مقولات دستوری نیز تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرند. لمان (۱۹۸۲) نیز دستوری‌شدگی را حرکتی از سمت مقولات واژگانی به سمت مقولات دستوری بیان می‌کند که طی آن فرآیندهای آوایی، نحوی و معنایی در تسهیل این پدیده ایفای نقش می‌کنند. با دستوری‌شدگی، خودمختاری اجزای زبانی هم از نظر صوری و هم از نظر معنایی کاسته می‌شود. بر اساس فرآیند دستوری‌شدگی یک جزء واژگانی مستقل در طول زمان و با پذیرش تغییراتی به کلمه نقشی، واژه‌بست و نهایتاً وند تصریفی

¹ A. Meillet

² C. Lehmann

³ B. Heine

تبدیل می‌شود (هاپر و تروگات، ۱۹۹۳). از دلایل و انگیزه‌های دستوری‌شدگی تسهیل ارتباطات است (هاینه و همکاران، ۱۹۹۱). سخنگویان همچنین در پی ساده‌سازی و رعایت اصل اقتصاد در زبان هستند (هاپر، ۱۹۹۶). مقولات دستوری ممکن است صورتی وابسته یا استقلال نحوی و آوایی نسبی داشته باشند. واژه‌بست‌های اشتقاقی و وندهای تصریفی در گروه مقولات دستوری قرار می‌گیرند (هاپر و تروگات، ۱۹۹۳). لایه‌بندی^۱، واگرایی و انشقاق^۲، خاص‌شدگی^۳، ثبات^۴ و مقوله‌زدایی^۵ اصول ارائه‌شده توسط هاپر (۱۹۹۶) برای تشخیص موارد دستوری‌شده هستند.

لایه‌بندی: تغییر و انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های زبان‌ها در نظر گرفته می‌شود و به واسطه این تغییرات، زبان‌ها در طول زمان از لایه‌های جدید برخوردار می‌شوند. گاهی لایه‌های قدیمی در کنار لایه‌های جدید مورد استفاده سخنگویان قرار می‌گیرند. این شرایط به عنوان یکی از پدیده‌های دستوری‌شدگی در نظر گرفته می‌شوند.

واگرایی / انشقاق: لایه‌های قبلی ممکن است در کنار جزء دستوری‌شده همچنان به عنوان یک واژه خودمختار به کار برده شوند، اگرچه از صورتی دستوری‌شده و وابسته نیز برخوردار باشند. افعالی که به صورت فعل معین درآمده‌اند و خود همچنان به عنوان یک واژه قاموسی ایفای نقش می‌کنند، متأثر از فرآیند واگرایی و انشقاق هستند.

خاص‌شدگی: اجزای دستوری‌شده عموماً تحت تأثیر فرآیند دستوری‌شدگی از کاربردهای خاصی برخوردار می‌شوند.

ثبات: از ویژگی‌های قابل توجه دستوری‌شدگی می‌توان به وجود برخی از ویژگی‌های معنایی مقوله مستقل در جزء دستوری‌شده اشاره کرد.

مقوله‌زدایی: از اصول و سازوکارهای مشترک در میان صاحب‌نظران حوزه دستوری‌شدگی می‌توان به پدیده مقوله‌زدایی اشاره کرد که به واسطه آن مقولات واژگانی خودمختار به سمت دستوری‌شدن حرکت می‌کنند. در طول این مرحله از فرآیند دستوری‌شدگی، واژگان با

¹ layering

² divergence

³ specialization

⁴ persistence

⁵ decategorization

فاصله گرفتن از مقولات اصلی، به مقولات فرعی تبدیل می‌شوند. به عبارت دیگر، یک عضو اصلی به اجزای فرعی و وابسته سازه‌های دیگر تبدیل می‌شود.

هاینه و همکاران (۱۹۹۱) سازوکارهایی را برای فرآیند دستوری‌شدگی معرفی می‌کنند. هر یک از این سازوکارها مربوط به یکی از حوزه‌های آواشناسی، صرف و نحو، کاربردشناسی و معناشناسی است. در این میان، اصل مربوط به حوزه کاربردشناختی، تنها موردی است که به افزایش قابلیت واحد دستوری‌شده برای وقوع در بافت جدید مربوط می‌شود؛ در حالی که، فرآیند دستوری‌شدگی باعث کاهش و در برخی موارد از دست دادن بخشی از ویژگی‌های آوایی، ساختواژی، نحوی و معنایی واحد دستوری می‌شود. در ادامه به برخی از این سازوکارها اشاره می‌شود.

معنی‌زدایی و تهی‌شدن از معنی^۱: از آن‌جا که، اجزای دستوری‌شده عموماً حامل مفاهیم انتزاعی و کلی‌تری هستند در این مرحله سازه با از دست دادن معنا و یا تعمیم معنایی، مفهوم انتزاعی‌تری را می‌پذیرد. به طور کلی، این تغییر در حوزه معناشناسی قرار می‌گیرد.

بسط و تعمیم بافتی^۲: در مرحله بسط معنایی که مربوط به توانش کارکردی زبان است، علی‌رغم سایر مراحل که لزوماً به محدودسازی جزء دستوری‌شده مربوط می‌شوند، بر قابلیت وقوع واحدهای دستوری‌شده در بافت جدید افزوده می‌شود. از دلایل این پدیده پذیرش معنای کلی و انتزاعی توسط اجزای دستوری‌شده است. در واقع، واحدهای دستوری‌شده یا فرعی‌تر عموماً حامل مفاهیم کلی‌تری نیز هستند. هاینه و همکاران (۱۹۹۱) همچنین مقوله‌زدایی را پدیده‌ای ساختواژی - نحوی معرفی می‌کنند.

سایش و تخفیف آوایی^۳: آن دسته از اجزای زبانی که دستوری می‌شوند، غالباً بیش‌تر تحت تأثیر سایش و تخفیف آوایی قرار می‌گیرند. در این مرحله سازه دستوری‌شده با از دست دادن برخی ویژگی‌های آوایی تحت تأثیر سایش آوایی قرار می‌گیرد. از دلایل این تغییر و تخفیف آوایی می‌توان به تلاش سخنگویان برای ساده‌سازی زبان اشاره کرد.

¹ desemantization

² extension

³ Erosion

معین‌شدگی^۱ از موارد رایج دستورشده‌گی است. در این شرایط یک فعل قاموسی با کاهش معنای واژگانی به سمت دستوری‌شدن حرکت می‌کند. اگرچه ممکن است افعال در حالت معین حاوی مفاهیم دستوری باشند، اما همچنان بخشی از مفهوم واژگانی را نیز با خود دارند (بوسمن^۲، ۱۹۹۶). فعل «بودن» در زبان فارسی به عنوان یک واژه تمام عیار به کار برده می‌شود در حالی که با گذر زمان در کنار سایر فعل‌ها به عنوان فعل معین رایج شده است. این فعل در معنای واژگانی مفهومی اسنادی دارد و با توجه به این‌که در دو زمان حال و گذشته بیان‌گر نمود کامل است به عنوان یک فعل معین نمودنما در نظر گرفته می‌شود (حق‌بین و فضلای، ۱۳۸۸).

پسوند جمع «ها» نیز که با تکوین "ihâ-" در اواخر دوره فارسی میانه به عنوان لایه‌ای جدید در کنار نشانه جمع «ان» رایج شد، حاصل فرآیند دستوری‌شدگی است. معین‌شدگی فعل‌های «داشتن» و «خواستن» و پیشوند استمراری «می» که در نتیجه دستوری‌شدگی واژه خودمختار «همی» با معنای «همیشه» به وجود آمده‌اند، نیز از موارد دستوری‌شدگی زبان فارسی در نظر گرفته می‌شوند. پیشوند استمراری «می» علی‌رغم دستوری‌شدن و همچنین پذیرش تخفیف آوایی همچنان بخشی از معنای مقوله اصلی را با خود به همراه دارد (نغزگوی کهن، ۱۳۸۹). نغزگوی کهن (۱۳۸۹) همچنین فعل‌های مرکب موجود در زبان فارسی را از موارد دستوری‌شده معرفی می‌کند که حاصل وقوع بخش غیرفعلی (همراه) و فعل دستوری‌شده (همکرد) هستند. او (۱۳۸۹) اصل خاص‌شدگی (ترکیب همکرد با همراه خاص) را به عنوان اصل آشکار این پدیده در نظر می‌گیرد.

۴. تحلیل داده‌ها

هم‌نامی از موارد قابل توجه ابهامات معنایی در نظر گرفته می‌شود چرا که صورت‌هایی کاملاً یکسان از ریشه‌هایی مجزا مشتق می‌شوند و حامل معانی و نقش‌های نامرتبلی هستند. "ae-" از تکواژهای پرکاربرد کردی ملکشاهی است. این تکواژ ممکن است به عنوان پی‌بست و یا وند در

¹ auxiliation

² H. Bussmann

کنار سایر مقولات به کار برده شود. در ادامه به کاربردهای تکواژ "æ-" در کردی ملکشاهی اشاره می‌شود.

۴-۱. "æ-" به عنوان نشانه معرفه^۱

اسامی معرفه در بسیاری از زبان‌ها با استفاده از نشانه‌های مستقل، وابسته و یا به هر دو صورت نشان داده می‌شوند. تکواژ وابسته "æ-" نشانه معرفه در کردی ملکشاهی است که با پیوستن به اسامی، آن‌ها را معرفه می‌سازد. این تکواژ در برخی موارد در کنار واج اختیاری /g/ نیز قرار می‌گیرد. تکواژ "æ-" در نقش نشانه معرفه صرفاً به اسم یا گروه اسمی متصل می‌شود که در اغلب گونه‌های کردی نیز رایج است. در کردی ملکشاهی، نشانه معرفه به صورت وندی تصریفی به مقولات مذکور متصل می‌شود و نقش و کاربرد آن تحت تأثیر محدودیت‌های حاکم بر حوزه صرف تعیین می‌شود.

(1) mə kətâw-æ hâwər-d-əm.

I book-DEF bring. PAST-1SG

من کتاب را آوردم.

(2) ?aw mâl-æ gap-æ
that house-DEF big-is

آن خانه بزرگ است.

در جمله اول این نشانه به کلمه کتاب متصل می‌شود و نشان‌دهنده معرفه بودن کتاب است. با توجه به این که نشانه معرفه تنها به اسم یا گروه اسمی می‌پیوندد، تکواژ "æ-" در ترکیب "gap-æ" را نمی‌توان نشانه معرفه دانست چرا که میزبان این تکواژ یک صفت است. این تکواژ در کنار اسم "mâl" با معنای «خانه» به عنوان نشانه معرفه نیز واقع می‌شود. تکواژ "æ-" در صورت وجود ضمائر اشاره در جمله نیز در کنار گروه اسمی واقع می‌شود. این تکواژ در حالت معرفه می‌تواند به وابسته‌های دیگری بپیوندد. "iš-" صورت وابسته حرف ربط «هم» در کردی است که با پیوند به سایر مقولات بیان می‌شود.

(3) kətâw-æ hæm hâwər-d.

^۱ definite

kətâw-æ-ÿš hâwər-d.

book-DEF-also bring. PAST-3SG

کتاب را هم آورد.

(4) ya mâl-æ-tân-æ.

this house-DEF-your.1PL-is

این خانه شما است.

از ویژگی‌های اجزای دستوری شده این است که عموماً به مقولات وابسته و دستوری تبدیل می‌شوند. اصل خاص‌شدگی در وند تصریفی "æ-" کاملاً آشکار است. جزء دستوری شده تحت تأثیر سازوکار تعمیم معنایی، از مفهوم انتزاعی تری برخوردار می‌شود که به واسطه آن می‌توان برخی روابط مربوط به حالت را نشان داد. از آن‌جا که هیچ منبع مکتوبی از کردی ملکشاهی در دست نیست، چگونگی تحول نشانه معرفه بر اساس برخی اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی میسر نیست. وندهای تصریفی به واسطه پذیرش نقش‌های دستوری، در جایگاه‌ها و با نقش‌های محدودی به کار گرفته می‌شوند. تکواژ "æ-" به عنوان نشانه معرفه مسیر دستوری‌شدگی را کاملاً پشت سر گذاشته و تنها صورت موجود برای بیان مقولات است.

۲-۴. "æ-" به عنوان فعل ربطی^۱

از صورت‌های واژگانی انعطاف‌پذیر گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی می‌توان به فعل ربطی «است» اشاره کرد که متناسب با بافت‌های آوایی از صورت‌های پی‌بستی تقریباً مشابهی برخوردار است (کلباسی، ۱۳۸۴). در کردی ملکشاهی تکواژ "æ-" به عنوان فعل ربطی «است» نیز به کار برده می‌شود و در این نقش به صفت، اسم و یا گروه اسمی متصل می‌شود. این تکواژ صرفاً در حالت مثبت به مقولات دیگر می‌پیوندد، در حالی که در جملات منفی مستقل از این مقولات و به عنوان میزبان مشخصه منفی به کار برده می‌شود. بر خلاف نشانه معرفه که به صورت وند تصریفی توسط سخنگویان استفاده می‌شود، فعل ربطی «است» در کردی ملکشاهی واژه‌بست می‌باشد و در قالب یک پی‌بست به مقولات میزبان می‌پیوندد. در ادامه برای نمایش نقش و جایگاه این تکواژ مثال‌هایی ارائه می‌شوند.

^۱ linking

(5) gwældân-æ feryæ rayən-æ
vase-DEF very beautiful-is

گلدان خیلی زیبا است.

(6) bâwg -əy dokândâr-æ
father-3SG salesperson -is

پدرش مغازه‌دار است.

(7) bâwg-əy dokândâr ny-æ
father-3SG salesperson NEG-is

پدرش مغازه‌دار نیست.

فعل ربطی «است» حاصل ترکیب æh- (در فارسی باستان به عنوان ریشه فعل بودن) و tiy- (به عنوان شناسه سوم شخص مفرد در زمان حال) است (کلباسی، ۱۳۷۵) که با گذشت زمان بر اثر تغییرات آوایی به صورت "æst" رواج یافته است. نمودار ارائه شده توسط کلباسی تغییرات آوایی فعل مذکور را از فارسی باستان تا به امروز نشان می‌دهد.

æh-ity → æs-tiy → æs-t/ hæ-s-t

این فعل نیز با گذشت زمان در گویش‌ها و لهجه‌های مختلف ایرانی صورت‌های متفاوتی پیدا کرده است که از آن جمله می‌توان به گونه‌های -es، -s، -st، -æs، -u، -en و -æ اشاره کرد. علاوه بر تغییر مقوله فعل واژگانی "æst" در کردی ملکشاهی، پدیده سایش آوایی نیز در جزء دستوری شده (æ-) به وضوح قابل مشاهده است. این فعل هم با مفهوم واژگانی و هم با مفهوم دستوری (به عنوان فعل معین) صرفاً با استفاده از صورت "æ-" نشان داده می‌شود.

از تمایزات قابل ملاحظه این پی‌بست نیز می‌توان به آزادی انتخاب بیش‌تر فعل ربطی در مقایسه با وند معرفه‌ساز اشاره کرد. براساس فرآیند دستوری‌شدگی مقولات فرعی در گذر زمان و در اثر تغییرات حاصل از سازوکارهای دستوری‌شدگی بر مقولات اصلی به وجود آمده‌اند و به صورت وابسته نیز به کار می‌روند. تکواژ "æ-" به عنوان فعل ربطی گروه اسمی و گروه وصفی را میزبان خود قرار می‌دهد.

۳-۴. "-æ" به عنوان فعل معین

تکواژ "-æ" همچنین در نقش فعل معین به کار برده می‌شود. در کردی ملکشاهی با افزودن این تکواژ به شناسه‌های ماضی، تصریف ساخت حال کامل صورت می‌گیرد. در ساخت حال کامل این نشانه بلافاصله به شناسه‌های ماضی می‌پیوندد. شناسه سوم شخص مفرد افعالی که نشانه مصدری آن‌ها [en] باشد به صورت [∅] است. در این حالت برای جلوگیری از التقاط واکه‌های /æ/ و /ə/ واج میانجی /g/ به کار برده می‌شود، در حالی که شناسه سوم شخص مفرد افعالی که نشانه مصدر آن‌ها [in] است، بلافاصله به تکواژ "-æ" متصل می‌شود. در موارد (۸) و (۹) به تصریف ساخت حال کامل دو فعل «آمدن» و «رسیدن» با صورت‌های کردی [hât-en] و [řas-in] در کردی ملکشاهی اشاره می‌شود.

آمدن	hâ-t-im-æ	آمدیم	آمدن	hâ-t-əm-æ	آمده‌ام	(8)
	Come. PAST- 1PL-AUX			Come. PAST-1SG-AUX		
آمدید	hâ-t-ən-æ	آمده‌ای	Hâ-t-it-æ			
	Come. PAST- 2PL-AUX		Come. PAST- 2SG-AUX			
آمدند	hâ-tən-æ	آمده است	Hâ-t-ə-g-æ			
	Come. PAS- 3PL-AUX		Come. PAST- 3SG-AUX			
رسیدیم	řæs-imən-æ	رسیده‌ام	řæs-im-æ			(9)
	Arrive. PAST- 1SG-AUX		arrive. PAST- 1PL-AUX			
رسیدید	řæs-in-æ	رسیده‌ای	řæs-it-æ			
	arrive. PAST- 2PL-AUX		arrive. PAST- 2SG-AUX			
رسیدند	řæs-in-æ	رسیده است	řæs-y-æ			
	arrive. PAS- 3PL-AUX		arrive. PAST- 3SG-AUX			

شناسه‌های فعلی به عنوان وندهایی تصریفی به فعل‌ها متصل می‌شوند. در ساخت حال کامل، فعل پی‌بستی "-æ" به صورت فعل معین و متناسب با قابلیت واژه‌بستی خود در اتصال به

وندهای تصریفی به شناسه‌های ماضی فعل متصل می‌شود و در ساخت حال کامل ایفای نقش می‌کند. این پی‌بست می‌تواند به برخی وندهای تصریفی بپیوندد در حالی که پس از خود به هیچ‌وند تصریفی اجازه اتصال نمی‌دهد. فعل معین «است» نیز به صورت پی‌بست عمل می‌کند. به طور کلی فعل «است» تنها از یک صورت پی‌بستی برخوردار است.

پدیده «معین‌شدگی» یکی از رایج‌ترین موارد دستوری‌شدگی است. تکواژ "æ-" به عنوان یک مقوله دستوری در جایگاه فعل معین دستوری تر شده است. این تکواژ برای نشان دادن نمود کامل به کار می‌رود. از اصول آشکار ناظر بر معین‌شدگی فعل پی‌بستی "æ-" می‌توان به اصول مقوله‌زدایی (دستوری تر شدن جزء دستوری شده)، خاص‌شدگی (محدودتر شدن کاربرد تکواژ "æ-" به عنوان فعل معین) و ثبات (وجود نشانه‌هایی از معنای اولیه در جزء دستوری شده) اشاره کرد. تعمیم معنایی (پذیرش معنای انتزاعی‌تر) نیز از سازوکارهای دستوری‌شدگی معرفی شده توسط هاینه و همکاران (۱۹۹۱) است که از طریق آن فعل معین به عنوان سازه‌ای از مقولات دیگر در نظر گرفته می‌شود. به طور کلی فعل "æ-" از افعالی است که علاوه بر مفهوم واژگانی از معنای دستوری تری نیز برخوردار است و به عنوان یکی از افعال معین نمودنما در دو زمان حال و گذشته به کار برده می‌شود.

۴-۴. "æ-" به عنوان حرف اضافه الحاقی

بسیاری از حروف اضافه کردی با گذشت زمان در کنار صورت‌های قبلی، از صورت‌های واژه‌بستی نیز برخوردار شده‌اند که به صورت پیش‌بست^۱ و پی‌بست^۲ به مقولات اصلی متصل می‌شوند. کریمی و نجفی (۱۳۹۶) ساختی که از منضم‌شدن حرف اضافه بر فعل به دست می‌آید را ساخت الحاقی می‌نامند. ساخت الحاقی از پیوستن یک تکواژ به فعل و افزودن یک موضوع جدید به ظرفیت فعل شکل می‌گیرد و متناسب با نقش معنایی آن، از انواع مختلف بهره‌ور/ متضرر، ابزار، مکان و یا جهت برخوردار است (کریمی و نجفی، ۱۳۹۶). حروف اضافه کردی ممکن است از بیش از یک صورت الحاقی برخوردار باشند. در کردی ملکشاهی دو حرف اضافه «به» و «در» با تکواژ "æ-" بیان می‌شوند. این حروف علاوه بر صورت الحاقی به صورت مستقل نیز به کار برده

¹ proclitic

² enclitic

می‌شوند. تکواژ "æ-" می‌تواند به برخی از فعل‌های لازم و متعدی بپیوندد. ادموندز^۱ (۱۹۵۵) نیز صورت وابسته "æ-" را حرف اضافه‌ی واژه‌بستی کردی معرفی کرده است.

(10) ʔima Čəg-im-æ mædræsæ.
we go. PAST- 1PL-to school

ما به مدرسه رفتیم.

(11) niš-t-ø -æ mâšin-æ.
sit. PAST-3SG-in car-DEF

در ماشین نشست.

حروف اضافه‌ی "wæ" با معنای «به» و "dæ" با معنای «در» از یک صورت واژه‌بستی مشترک برخوردار هستند که با اتصال به برخی فعل‌های لازم و متعدی به کار برده می‌شوند. این افعال ممکن است نشان‌دهنده‌ی مکان، جهت و... باشند. دو حرف اضافه «به» و «در» می‌توانند به صورت پی‌بستی به مقولات میزبان بپیوندند. از دلایل معرفی این وابسته به عنوان یک واژه‌بست می‌توان به نقش نحوی آن اشاره کرد. وقوع و عدم وقوع تکواژ "æ-" در بافت‌های مورد نظر متأثر از قواعد نحوی است. صورت الحاقی و صورت مستقل این حروف اضافه را نمی‌توان باهم و در یک ساخت مشابه به کار برد چرا که این دو صورت در توزیع تکمیلی هستند. وقوع ساخت الحاقی در جمله سبب تغییر توالی سازه‌ها و به طور کلی تغییر ساختمان جمله می‌شود. بر اساس سازوکارهای ارائه شده توسط هاینه و همکاران (۱۹۹۱) واحدهای دستوری شده بیش از سایر سازه‌های زبانی تحت تأثیر سایش آوایی قرار می‌گیرند و در نتیجه این سازه‌ها عموماً از صورت‌های کوتاه‌تری برخوردار هستند.

اغلب حروف اضافه کردی ملکشاهی علاوه بر صورت‌های قبلی، از صورت‌های الحاقی نیز برخوردار می‌باشند. سخنگویان به طور مداوم تلاش می‌کنند گفتار را به ساده‌ترین صورت بیان کنند و به همین دلیل متناسب با بافت‌های آوایی و با حذف برخی واج‌ها به کوتاه‌سازی آوایی صورت‌های زبانی می‌پردازند. از اصول آشکار دستوری‌شدگی در مورد حروف اضافه پی‌بستی می‌توان به لایه‌بندی (وجود لایه‌های صوری جدید در کنار لایه‌های قدیمی) اشاره کرد. بر این اساس صورت‌های مختلف ممکن است نقش‌های دستوری مشابه داشته باشند ولی به لحاظ سبکی از هم متمایز شوند. حروف

¹ C. J. Edmonds

اضافه دستوری شده از نظر کاربردی محدودتر می‌شوند (خاص شدگی). اگرچه حروف اضافه مقولات فرعی زبان هستند اما این مقولات تحت تأثیر فرآیند دستوری‌شدگی از نقش‌های دستوری‌تری برخوردار می‌شوند. این مقولات دستوری‌شده به عنوان سازه‌های فرعی افعال مکانی و حرکتی در نظر گرفته می‌شوند (بازتحلیل ساختوازی-نحوی). ساخت‌های دستوری‌شده صرفاً در جملاتی به کار برده می‌شوند که متمم پس از فعل واقع می‌شود در حالی که حروف اضافه مستقل به توالی خاصی مقید نیستند.

(12) **wa madrasa čəğ-əm**
to school go. PAST- 1SG

به مدرسه رفتم.

(13) **Čəğ-əm wa madrasa**
go. PAST-1SG to school

رفتم به مدرسه.

۴-۵. "æ" به عنوان پسوند نام‌آوا^۱

وندافزایی یکی از زیاترین روش‌های واژه‌سازی در کردی است. در کردی ملکشاهی از وند "æ" برای تولید «نام‌آوا» استفاده می‌شود. صداهای موجود در طبیعت با پذیرش این پسوند قابل بازگویی و توصیف می‌شوند هرچند که گاهی نام‌آواها به صورت دو بخشی و با تکرار یک صوت نیز بیان می‌شوند.

(14) **taq+æ= taqæ** صدای گلوله و خوردن جسمی به جسمی دیگر

Ziř+æ=ziřæ صدای جیغ گوش خراش

kül+æ= külæ صدای خروس

xiŋ+æ=xiŋæ صدای وزوز مگس

¹ onomatopoeia

وند مورد نظر علی‌رغم محدودیت در انتخاب مقولۀ میزبان از زایایی بالایی برخوردار است و برای بیان هر آوایی در طبیعت به کار می‌رود. این تکواژ در نقش پسوند نام‌آوا به عنوان وندی اشتقاقی توسط سخنگویان کردی ملکشاهی به کار برود.

۴-۶. "æ-" به عنوان پسوند اسم‌ساز

تکواژ "æ-" پسوندی است که می‌تواند در تولید اسم نیز به کار برود. این گروه از اسامی ممکن است حاصل اتصال صفات و یا اسامی دیگر به تکواژ مورد نظر باشد. همچنین با به کارگیری لفظ "wæ" (که معادل «با، به، به طور و به صورت» است) پیش از این اسامی، برخی ترکیبات رایج به دست می‌آیند که ممکن است در برخی از جملات در جایگاه قید به کار برده شوند. بسیاری از کارکردهای تکواژ "æ-" را می‌توان بر اساس تکیه تعیین کرد. هنگام تلفظ این ساخت‌ها، لزوماً تکیه بر روی تکواژ مورد نظر یا هجای پایانی قرار می‌گیرد. در صورت وقوع تکیه بر هجای آغازین، نقش وابسته "æ-" و در نتیجه معنای کلی ترکیب، تغییر می‌کند. در ساخت‌های (۱۵) و (۱۶) با تغییر تکیه از هجای آغازین به هجای پایانی، وابسته مورد نظر نقش فعل پی‌بستی «است» را ایفا می‌کند و به این ترتیب معنای دو ساخت "tæř-æ" و "høšk-æ" به «خیس است» و «خشک است» تغییر می‌یابد.

برخی ابهامات معنایی حاصل از هم‌نامی سازه‌های زبانی به صورت عروضی و با به کارگیری تکیه در جایگاه مناسب، به سهولت برطرف می‌شوند (آلن، ۱۹۸۶).

(15) æ-tæř جشن شلوغ و همراه با ساز و دهل و سایر آلات موسیقی

æ-høšk جشن بدون سر و صدا و ساز و آواز

šærik-æ معامله مشارکتی دام

nân høšk-æ نان خشک

zæřin-æ-w simin-æ رنگین کمان

wæ tæř-æ (16) به طور شلوغ و با ساز و دهل

wa høšk-æ به طور بی سر و صدا

wæ šærik-æ به طور مشارکتی

این ساخت‌ها در برخی موارد بدون استفاده از لفظ "wæ" نیز با معنای قیدی و مشابه معانی ارائه شده در مثال (۱۶) به کار می‌روند. تکواژ وابسته "æ-" با نقش وند از واحدهای دستوری شده کردی ملکشاهی در نظر گرفته می‌شود. وندبودن این تکواژ با توجه به محدودیت‌های موجود در انتخاب میزبان تعیین می‌شود. از طرف دیگر به دلیل غیر قابل پیش‌بینی بودن معنای ترکیبات جدید و همچنین تغییر مقوله‌های میزبان، اشتقاقی بودن وند مشخص می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، یک پدیده هم‌نامی در کردی ملکشاهی، مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نقش‌ها و معانی مختلف تکواژ وابسته "æ-" در کردی ملکشاهی، این پدیده به عنوان یک هم‌نامی شناخته می‌شود. هر یک از مقولات مورد نظر با پذیرش تغییراتی آوایی، ساختواژی، نحوی، کاربردی و یا معنایی در نقش‌های مجزای واژه‌بستی و وندی به یک صورت واحد به کار برده می‌شوند. واحدهای هم‌نام همچنین متأثر از کل یا بخش‌هایی از اصول حاکم بر فرآیند دستوری-شدگی (لایه‌بندی، واگرایی و انشقاق، خاص‌شدگی، ثبات و مقوله‌زدایی) به صورت تکواژ "æ-" توسط سخنگویان به کار می‌روند. فرآیند دستوری‌شدگی همچنین با ضعیف شدن صورت‌های مستقل مقوله‌ها آغاز می‌شود و این روند تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که از میزان استقلال این ساخت‌ها کاسته شود و صرفاً در موقعیت‌های خاصی به کار برده شوند.

اگرچه واحدهای دستوری‌شده زیادی در زبان‌های مختلف وجود دارند، اما امکانات دستوری‌شده لزوماً به یک صورت تحت تأثیر سازوکار دستوری‌شدگی قرار نمی‌گیرند. تکواژ "æ" به صورت یک وند تصریفی به کار برده می‌شود و با اتصال به اسم یا گروه اسمی آن‌ها را معرفه می‌سازد. نشانه معرفه "æ-" صرفاً اسم یا گروه اسمی را به عنوان میزبان می‌پذیرد. از دیگر کارکردهای تکواژ وابسته "æ-" نقش آن به عنوان وند اشتقاقی در فرآیند واژه‌سازی است که در تولید نام‌آواها و برخی اسامی در کردی ملکشاهی توسط سخنگویان به کار می‌رود. تکواژ "æ-" همچنین به شدت تحت تأثیر جایگاه تکیه قرار می‌گیرد.

حروف اضافه مستقل به عنوان کلمات نقشی عموماً می‌توانند تحت تأثیر فرآیند دستوری‌شدگی، نقش‌های دستوری‌تری را بپذیرند. دو حروف اضافه "wa" و "da" که به ترتیب

معادل «به» و «در» هستند، علی‌رغم حفظ صورت‌های قبلی از صورت پی‌بستی "æ-" نیز برخوردار هستند. صورت‌های دستوری شده (الحاقی) به نوعی تحت تأثیر مکانیزم‌های مقوله‌زدایی (تغییر مقوله)، لایه‌بندی (حفظ صورت قبلی در کنار صورت جدید)، خاص‌شدگی (محدودیت‌های کاربردی جزء دستوری شده) و همچنین سایش آوایی (حذف همخوان‌های /w/ و /d/) و بازتحلیل ساختوازی -نحوی (وابستگی جزء دستوری شده به سازه‌های دیگر) قرار گرفته‌اند.

در کردی ملکشاهی صورت وابسته "æ-" به عنوان فعل ربطی «است» به اسم، گروه اسمی، صفت و گروه وصفی می‌پیوندد. فعل پی‌بستی "æ-" در حالت منفی به صورتی مستقل از این مقولات و به عنوان میزبان مشخصه منفی ساز در جمله واقع می‌شود. این تکواژ صورت دستوری شده فعل "æst" است که تحت تأثیر پدیده‌هایی مانند مقوله‌زدایی و سایش آوایی قرار گرفته است. معین‌شدگی تکواژ مورد نظر نیز در نتیجه خاص‌شدگی و تعمیم معنایی صورت گرفته است. بازتحلیل ساختوازی -نحوی که به واسطه آن جزء دستوری شده به سازه‌ای از سایر مقولات تبدیل می‌شود نیز در معین‌شدگی افعال بسیار مشهود است. تکواژ "æ-" با اتصال به شناسه‌های ماضی در ساخت حال کامل به کار می‌رود.

به طور کلی هم‌نامی تکواژ "æ-" پدیده‌ای تصادفی است که در آن مقولات مختلف عموماً تحت تأثیر رویدادهای آوایی (سایش آوایی) و ساختوازی -نحوی (مقوله‌زدایی) از یک صورت مشترک برخوردار شده‌اند. تصادفی بودن این هم‌نامی برخاسته از تفاوت‌های قابل ملاحظه نقشی و معنایی مقولات مورد بررسی است. هر یک از مقولات به نحوی تحت تأثیر فرآیند دستوری‌شدگی قرار گرفته‌اند و در قالب وندهای تصریفی، اشتقاقی و یا واژه‌بستی رایج شده‌اند. فرآیند دستوری‌شدگی بر هر یک از این مقولات اثری متفاوت بر جای می‌گذارد؛ به عنوان مثال فعل "æst" تحت تأثیر مقوله‌زدایی و سایش آوایی به صورت "æ-" رایج شده است؛ در حالی که، معنازدایی و تعمیم معنایی به عنوان سازوکار دخیل در معین‌شدگی این فعل پی‌بستی در نظر گرفته می‌شود. هر یک از این مقوله‌های دستوری شده در مرحله‌ای از فرآیند دستوری‌شدگی قرار دارند. نقش این تکواژ نیز با توجه به تغییر مقوله‌های میزبان و همچنین جایگاه تکیه تعیین می‌شود. با توجه به اصول مقوله‌زدایی، سایش آوایی و تعمیم معنایی که به ترتیب به حوزه‌های ساختوازی -نحوی،

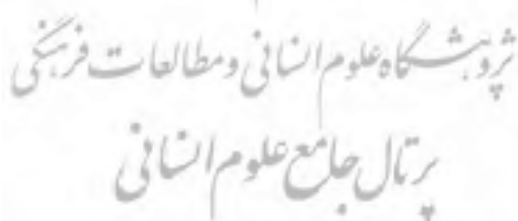
آوایی و معنایی مربوط می‌شوند، نمی‌توان پدیده مذکور را صرفاً به یک سطح از زبان نسبت داد بلکه این هم‌نامی از ماهیتی آوایی، ساختوازی - نحوی و حتی معنایی برخوردار است.

منابع

- اسحاقی، مهدیه. (۱۳۹۶). هم‌نامی یک حرف اضافه و یک ضمیر در گونه گفتاری کرمان. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۳(۲۵)، صص. ۸۹-۱۰۶.
- بیرجندی، احمد. (۱۳۸۱). *شیوه آموزش املاي زبان فارسی و نگارش*. تهران: انتشارات مدرسه.
- شقایق، ویدا. (۱۳۹۲). *وند گروهی. زبان و زبان‌شناسی*. ۹(۱۷)، صص. ۱-۲۶.
- حق‌بین، فریده و منصوره‌سادات فضلی. (۱۳۸۸). *فعل‌های معین در زبان فارسی و فرضیه فعل معین دوجزئی. زبان‌پژوهی*، ۱(۱)، صص. ۳۵-۵۰.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- کریمی، یادگار و الهه نجفی. (۱۳۹۶). *ساخت الحاقی: توصیف و پیامدهای نظری. پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱(۱)، ۹۹-۱۲۰.
- کلباسی، ایران. (۱۳۷۵). *شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی. مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)*، ۲(۷)، صص. ۲۷-۳۵.
- کلباسی، ایران. (۱۳۸۴). *وند زمان گذشته در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی. زبان و زبان‌شناسی*، ۱(۱)، صص. ۷۴-۵۹.
- نغزگوی‌کهن، مهرداد (۱۳۸۹). *چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی. فصل‌نامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱(۲)، صص. ۱۴۹-۱۶۵.
- Akhmedova, M. & A. Garayeva. (2015). General issues of homonymy in the persian language. *Journal of Sustainable Development*. 8(4), pp. 126-131.
- Anderson, S. R. (1992). *A-morphous morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Allan, K. (1986). *Linguistic meaning*. vol. 1. London: Routledge.
- Baker, M. (1988). *Incorporation: A theory of grammatical function changing*. Chicago: University of Chicago Press.
- Booij, G. (2007). *The grammar of words*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.
- Bussmann, H. (1996). *Routledge dictionary of language and linguistics*. London: Routledge.
- Cruse, D. A. (1986). *Lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Crystal, D. (1992). *An encyclopedic dictionary of language and languages*. Cambridge, MA: Blackwell.

- Edmonds, C. J. (1955). Prepositions and personal affixes in southern Kurdish. *Bulletin of the School of Oriented and African Studies*, 17(3), pp. 490-502.
- Fattah, I. K. (2000). Les dialectes kurdes méridionaux: étude linguistique et dialectologique. *Acta Iranica*, 37, Leuven: Peeters.
- Fromkin, V., R. Radman, and N. Hyams, (2003). *An introduction to language*. 7th ed. USA: Heine, a part of Tomson Corporation.
- Geeraerts, D. (2010). *Theories of lexical semantics*. Oxford: Oxford University Press.
- Hartmann, R. and F. C. Stork (1976). *Dictionary of language and linguistics*. London: Applied Science Publishers Limited.
- Heine, B., Claudi, U., & Hünnemeyer, F. (1991). *Grammaticalization: A conceptual framework*. University of Chicago Press.
- Hopper, P. (1996). Some recent trends in grammaticalization. *Annu. Rev. Anthropol.* (25), pp. 217-236.
- Hopper, P. J. & E. C. Traugott. (1993). *Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University press.
- Kroeger, Paul R. (2005). *Analyzing grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Izadi, M. (1992). *The Kurds: a concise handbook*. Washington, DC: Talor & Francis.
- Ladefoged, P. (2006). *A Course in phonetics*. USA: Thomson Wadsworth.
- Lehmann, C. (1982). Thoughts on grammaticalization: a programmatic Sketch. Vol. I. *Arbeiten des Kölner Universalien-Projekts*, (48). Köln: Universität Köln.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. (2 vols). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyons, J. (1982). *Language and linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- MacKenzie, D. N. (1961) *Kurdish dialect studies*, vol.1, London: Oxford University Press.
- Marantz, A. (1993). Implication of asymmetries in double object constructions. In *Theoretical aspects of Bantu grammar*. Edited by Sam A. Mchombo. pp. 113-150. Stanford: CSLI Publications.
- Meillet, A. (1958). L'évolution des forms grammaticales. *Scientia (Rivista diScienza)* 12 (26), pp. 130-148.
- Nebez, J. E. (1976). *Towards a unified Kurdish language*. National-union of the Kurdish students in Europe.
- Palmer, F. R. (1976). *Semantics: A new outline*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1984). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Pylkkänen, L., R. Llinás, & G. L. Murphy (2006). The representation of polysemy: MEG evidence. *Journal of Cognitive Neuroscience*, 18 (1), pp. 1-13.
- Pylkkänen, L. (2008). *Introducing arguments*. Cambridge Mass: MIT Press.
- Richards, J. C. and R. Schmidt. (2002). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics*. Essex: Pearson education Limited.
- Rodd, J. M., M. G. Gaskell, & W. D. Marslen-Wilson. (2002). Making sense of semantic ambiguity: semantic competition in lexical access. *Journal of memory and language*, (46), pp. 245-266.
- Salim, J. (2013). Homonymy in Jordanian colloquial Arabic: A semantic investigation. *English language and literature studies*, 3 (3). pp. 69-67.
- Watkins, F. C., W. B. Dillingham, and J. Hiers. (2001). *Practical English handbook*. 11th ed. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Wegener, Ph. (1885). *Untersuchungen über die Grundfragen des Sprachlebens*. Halle: Niemeyer.
- Yule, G. (2006). *The study of language*. 3th ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zwicky, A. M. and G. Pullum. (1983). Cliticization vs. inflection: English n't. *Language*, (59), pp. 502-513.



On the Homonymy and Different Functions of Bound
Morpheme “-æ” in Malekshahi Kurdish

Ameneh Karimi
Habib Gowhari
Gholamhosein Karimi Dustan

Abstract

Homonymy is a phenomenon in which different linguistic categories have the same phonological and orthographic form. This study aims to investigate different functions of “-æ” in Malekshahi Kurdish. The data is collected from native speakers of Malekshahi Kurdish. Hopper (1996) and Heine and et. al. (1991) as theoretical frameworks are used to examine the reasons for different functions of morpheme “-æ” and also the reasons for the homonymy of morpheme “-æ”. The findings show that different linguistic categories are represented by the bound morpheme “-æ”. It may be used in various contexts as a proclitic, inflectional or derivational affix. As an inflectional affix, it is suffixed to nouns and noun phrases to signal definiteness in Malekshahi Kurdish. As a proclitic, “-æ” is suffixed to verbs to function as an auxiliary or linking verb to represent perfect aspect. It is also used as an applicative form of two prepositions “to” and “in” which are attached to some given verbs. “-æ” is, also, used to represent two derivational affixes to make onomatopoeias and some nouns. Each manifestation of “-æ” has undergone some phonological, morphological, and syntactic changes due to grammaticalization which is the underlying reason for this homonymy.

Keywords: Bound Morpheme “-æ”, Grammaticalization, Homonymy, Malekshahi Kurdish, Southern Kurdish